

## پیش به سوی

# مرحله نوین، پس از انتخابات و بسیج مردم برای تحولات آینده

نتیجه انتخابات یکجا شده مجلس خبرگان، شوراها و میان دوره ای مجلس سرانجام اعلام شد. نتیجه ای که ترتیب دهندگان این انتخابات اعلام کردند، قطعاً واقعیات درون صندوق ها را نشان نداد، و این در حالی است که اگر انتخاباتی آزاد و بدون دخالت های شورای نگهبان و حاکمیت موجود در ایران برگزار شود، نتیجه آن به مراتب سهمگین تر از آن خواهد بود که در صندوق های همین انتخابات اخیر بود و نتوانستند آن را اعلام کنند.

حضور وسیع مردم در پای صندوق های رای، که حاکمیت آگاه از واقعیات آن، کوشید آن را واژگونه جلوه داده و حمایت عمومی از نظام موجود تبلیغ کند، حضوری بود علیه حاکمیت کنونی و سیاست هائی که در یکسال و نیم گذشته بنام "حاکمیت یکدست" بر کشور تحمیل شده است. حتی فراتر از آن، می توان این حضور را نه تنها جبران غفلت های مهم در دو انتخابات شوراها و دوم و ریاست جمهوری دوره نهم، بلکه بازگشت به سال های نخست اصلاحات در دوران محمد خاتمی دانست.

بدین ترتیب، بار دیگر آنچه در عمق جامعه ایران وجود دارد و آن، چیزی نیست جز خواست و فریاد خاموش دگرگونی جامعه و تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی حاکم، بصورت "رای" به صندوق ها ریخته شد. این که چه کسی بیشتر و یا چه کسی کمتر رای آورد و یا در لیست ساختگی حاکمیت پیش و یا پس از این و یا آن فرد اعلام شد و یا به این لیست تحمیل شد (در هر سه انتخاباتی که یکجا برگزار شد) اهمیت دارد، اما اهمیت آن در برابر واقعیت بزرگ تری که پیام این انتخابات بود بمراتب کمتر است. مردم طی 10 سال گذشته، در مقاطع مختلف و هر بار به نوعی بانگ اصلاحات بنیادی بر می دارند و حاکمیت مقاومت و مقابله می کند. حتی رای خوش بینانه مردم در انتخابات ریاست جمهوری به شعارهای عوام گرایانه احمدی نژاد که با انتقاد دائمی از مافیای قدرت تزئین می شد نیز حامل همین پیام بود، همچنان که طرد او در این انتخابات، که بهمنی بود بر سر دولت و حاکمیت یکدست نیز همین پیام را داشت. هم انتخاب و هم طرد احمدی نژاد همان بار و پیامی را داشت که انتخاب محمد خاتمی در دوم خرداد 1376 داشت.

این عوامفریبی که شرکت مردم در انتخابات تأیید و حمایت از نظام کنونی و حاکمیت یکدست فعلی بود، جز تشدید تقابل و ستیز مردم با حاکمیت را بدنبال نخواهد داشت، زیرا هم حاکمیت و هم مردم می دانند آنچه در انتخابات گذشت، حمایت نبود بلکه تقابل بود. همه تقابل های روز انتخابات و روزهای شمارش آراء و محدودیت های قبل از انتخابات و رد صلاحیت ها خود گویاترین دلیل این تقابل مردم با حاکمیت است، چرا که اگر جز این بود، به این همه تقابل و محدود سازی و رد صلاحیت و ... نیاز نبود.

این در رصه داخلی است؛ اما در عرصه بین المللی نیز حنای تبلیغ "شرکت مردم در انتخابات برای تأیید نظام حاکم و سیاست های نظامی آن" قطعاً بی رنگ است. انتظار اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل برای معلوم شدن سرانجام این انتخابات و سپس بردن قطعنامه تحریم ایران به سازمان ملل و تصویب فوری آن، خود بزرگترین دلیل بی رنگی این حناست. آنها نیز بخوبی و به فوریت خود را با سقوط وسیع پایگاه حاکمیت که در این انتخابات به نمایش در آمد، تطبیق دادند و با تصویب طرح تحریم های اقتصادی گام بزرگی در جهت تشدید تنگناهای معیشتی مردم، با هدف تشدید تقابل های جدی تر آنها با حاکمیت

برداشتند. بیانیه فوری وزارت امور خارجه در پاسخ به این قطعنامه - که در واقع سرمقاله یکی از شماره های اخیر روزنامه کیهان شریعتمداری بود- و کوشش برای تحریک عرق ملی مردم برای دفاع از آنچه معلوم نیست واقعیات آن چیست و امروز بنام "انرژی اتمی" اعلام می شود حضور در آن بازی است که باخت در آن از پیش قطعی است. برای توده چند میلیونی که یا در انتخابات شرکت کردند که به حاکمیت یکدست رای ندهند و یا شرکت نکردند تا به تصور خود به کل نظام دهن کجی کنند، این ادعاهای تبلیغاتی نه "نان" می شود، نه "آب" و نه "آزادی". آن حکومتی که هنوز از زیر فشار رای مردم و افشاکاری های مربوط به تقلب در شمارش آراء مردم بیرون نیامده، وقتی بنام مردم ادعای حمایت ملی از طرح ها و سیاست های اتمی و جنگی اش در منطقه می کند، اگر کم عقل نباشد، در خواب خرگوشی است!

### آرایش جدید نیروها

این نگاه کلی به انتخاباتی که برگزار شد و نتایجی که برای هر سه انتخابات اعلام شد، نباید مانع از دیگر نگاه ها به نتیجه انتخابات شود. چرا که ما در آینده بسیار نزدیک شاهد صف آرائی ها و صف بندی های جدید در دیگر ارگان های انتخابی و نیمه انتخابی جمهوری اسلامی خواهیم بود. یعنی در مجلس خبرگان آن روحانیونی که از تمرکز قدرت در دست فرماندهان سپاه و ماجراجوئی های نظامی رهبر و فرماندهان سپاه نگرانند خود تبدیل به یک فراکسیون خواهند شد. فراکسیونی که ماهیت آن تقابل با تمرکز قدرت در دست رهبر است و در صورت ادامه و تعمیق این تقابل، ما بار دیگر شاهد بحث ضرورت تقویت جمهوریت و جبران ضرباتی خواهیم بود که ولایت مطلقه و رهبری فردی به جمهوریت در نزدیک به دو دهه گذشته زده است. تمام نیروهای مذهبی و روحانی که در این سال های قلع و قمع شده و زیر چرخ دنده های بولدوزر ولایت مطلقه رهبری رفتند، برای نخستین بار در کنار همه آن نیروهای غیر حکومتی و غیر روحانی و حتی غیر مذهبی قرار خواهند گرفت که از ابتدا نگران چنین فاجعه ای بودند و آن را احیای نظام سلطنتی می دانستند. هر نوع فشار خارجی و یا تقابل های مردم در داخل کشور با حاکمیت یکدست، حداقل در ابتدای خود این جبهه را کامل خواهد کرد.

این صف بندی در نیمه دوم و رو به سرازیری مجلس هفتم، بصورت تقابل های آشکار و شکل گیری فراکسیون های مخالف سیاست های حاکمیت یکدست بروز خواهد کرد، چرا که حتی شماری از نمایندگان کنونی این مجلس نیز آینده سیاسی خود را قبل از آنکه در گرو گوشه چشم شورای نگهبان ببینند، ناچارند در دست های مردم رای دهنده در شهر و روستا جستجو کنند. بویژه که فشار برای تغییر ساختار انتخاباتی و کوتاه سازی دست بیت رهبری و شورای نگهبان ناگزیر است. حتی از درون مجلس خبرگان که با احتمال بسیار زیاد خواهد کوشید تبدیل به مجلسی شبیه به مجلس "سنا" شود و برفراز قدرت شورای نگهبان قرار گرفته و حتی زمینه انحلال این شورا را فراهم سازد. یعنی دگرگون شدن موازنه ای که تاکنون برقرار بوده است. در این زمینه نیز فشارهای بین المللی و داخلی زمینه های جدیدی را فراهم تر و عملی تر خواهند کرد. از جمله زمزمه های بسیار جدی که از هم اکنون برای فراخواندن نهاد های بین المللی برای نظارت بر هر انتخاباتی در آینده می شود. نظارتی که حتی شماری از سران سابق و دولتمردان و فعالان گذشته و حتی کنونی حاکمیت نیز در صورت پایبندی این نظارت به قوانین داخلی ایران و بویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی با آن مخالفتی ندارند. این نظارت را تصمیمات جدید سازمان ملل متحد برای دفاع از حقوق بشر و نظارت بر آن در کشورهای مختلف و تصریح بر ضرورت نظارت بر انتخابات در کشورهای مختلف جهان هموار می کند.

شاید جبهه گیری ها، یار گیری ها و موضع گیری های نوین در مجلس خبرگان و یا مجلس هفتم به زمان نیاز داشته باشد، اما در شوراها و بویژه در شورای شهر تهران این تحولات و موضع گیری ها بسرعت آغاز خواهد شد و نمودهای آن آشکارتر از دو ارگان دیگر در معرض دید سیاسی قرار خواهد گرفت.

شورای شهر تهران، تابلوی دیگر شوراها در دیگر شهرهاست و به همین دلیل باید روی آن متمرکز شد. ما در این شورا و با لیستی که برای آن تنظیم کرده و اعلام کرده اند، با چند گروه بندی روبرو هستیم. طرفداران دولت و بویژه شخص احمدی نژاد که در اقلیت است، طرفداران اصلاحات که در دو دولت خاتمی مصدر امور بوده اند، افرادی که فعلا بنام اصول گرا نامیده می شوند اما عمده نگاهشان به بیت رهبری و تمایلات فرماندهان سپاه است. هم در میان اقلیت طرفدار دولت و هم در اکثریت مورد تائید بیت رهبری، نظامی ها و سپاهی ها قرار دارند و از این نظر، برای نخستین بار جبهه بندی ها جنبه های آشکار نظامی به خود می گیرد. اگر در طیف اقلیت شورا و در میان طرفداران احمدی نژاد کسانی قرار دارند که با سردار ذوالقدر قائم مقام سابق سپاه و معاون سیاسی وزارت کشور و سردار نقدی مسئول کنونی مبارزه با قاچاق و رئیس اسبق و مغضوب ضد اطلاعات نیروی انتظامی و سردار نقدی ها و سردار ذوالقدرهای دیگر پیوند آشکار و پنهان دارند، در طیف اکثریت شورای شهر سردار طلایی فرمانده سابق نیروی انتظامی تهران بزرگ و سردار طلایی های دیگر قرار گرفته اند که با سردار قالیباف فرمانده کل و سابق نیروهای انتظامی و سردار قالیباف ها در پیوند آشکار و پنهان اند. همین جبهه بندی با درجات کم و بیش مشابه در شهرهای دیگر نیز شکل گرفته و خواهد گرفت. سپاه و نیروی نظامی با گرایش های متفاوت سیاسی از طریق شوراها، آشکارتر از فراکسیون های موجود در مجلس هفتم اکنون چهره سیاسی خود را آشکار می کنند و مردم با این گرایش ها آشنا می شوند و این خود از نتایج بسیار مهم انتخابات اخیر شوراهاست. حادثه ای که باید اتفاق می افتاد تا آنچه در پشت پرده می گذشت و می گذرد در معرض افکار و قضاوت عمومی قرار گیرد. هر نوع موضع گیری اصلاح طلبان در شوراها و بویژه شورای شهر تهران، آنها را به این دو جبهه و دو طیف نزدیک و یا دور می کند. از آنسو نیز، دو جبهه نیمه نظامی در شوراها نیازمند نزدیکی و یا حذف و تقابل با اصلاح طلبان اند. اینها ظرایفی است که در کار سیاسی باید به آن توجه داشت.

همانگونه که واقعیات پنهان در پشت رای سنگین هاشمی رفسنجانی برای رفتن به مجلس خبرگان را باید در چارچوب ارزیابی های محتمل و ذکر شده در بالا مورد توجه قرار داد. چنان که فشار جنبش گسترده کارگری برای فرستادن خانم سهیلاجلودار زاده کاندیدای حزب کار به مجلس را باید در نظر گرفت و به آن بهای لازم را داد.

با این نگاه به نتایج انتخاباتی که برگزار شد، ما و همه اپوزیسیون داخلی و منتقدان حاکمیت یکدست عملا وارد مرحله جدیدی شده ایم. در این مرحله نوین، از این پس، بیش از آنکه روی تقلب در رای شماری متمرکز شده و قدرت رو به افول حاکمیت برای خنثی سازی رای مردم را برجسته کنیم، باید روی جنبه های مثبت این انتخابات تاکید کرده و جنبش را به سمت تحولات هدایت کنیم. یعنی قدرت رای مردم را که چون پتک بر سر حاکمیت یکدست در این انتخابات فرود آمد و دولت امام زمان را سکه یک پول کرد برجسته کنیم. دولتی که در هفته های قبل از برگزاری همین انتخابات، رهبر در چند سخنرانی ادعای حمایت وسیع مردم از آن را طرح کرده و این دولت دست پخت خود را بعنوان "رویش جدید نیروی انقلابی" قوی ترین و مردمی ترین دولت 28 ساله اعلام کرده بود. طشت سفرهای نمایشی رئیس این دولت را مردم از بام این انتخابات پائین انداختند و این از دستاوردهای بزرگ انتخابات اخیر بود تا آنجا که شخص احمدی نژاد با اشاره به نتایج انتخابات گفت: **"بعضی ها حالا فکر می کنند این دولت رفتنی است"**. همچنان که با رای به هاشمی رفسنجانی، مردم عملا به تمرکز قدرت در دست رهبر "نه" گفتند و سیاست های نظامی و یا بقول خود وی **"نظامیگری"** را طرد کردند.

از دیگر دستاوردهای هر سه انتخابات اخیر، آشکار شدن جبهه بندی های نظامی در دولت و در حاکمیت و حتی در میان فرماندهان نزدیک به رهبر است. تحمیل 4 اصلاح طلب به شورای شهر تهران، شورائی که یکسال و نیم دولت و بیت رهبری و شورای نگهبان آن را نیمه فلج و نیمه کامل نگهداشتند و بجای اعضای به کابینه پیوسته اش اجازه ندادند عضو علی البدل و اصلاح طلب -"تاج زاده"- وارد آن شود، حادثه و دستاورد کمی در عقب راندن حاکمیت یکدست نیست.

با توجه به این مجموعه دستاوردهای بزرگ و دیگر دستاوردهای زیر مجموعه این دستاوردهاست که باید از هم اکنون بجای تمرکز روی قدرت تقلب حاکمیت و مایوس ساختن مردم از انتخاب و انتخابات- که قطعاً حاکمیت خود از آن استقبال می کند- باید روی دستاوردهای بزرگ رای و حضور مردم تاکید کرد و از هم اکنون برای انتخابات بزرگتر، یعنی انتخابات مجلس هشتم و حتی ریاست جمهوری دوره دهم آماده شد. برای طی این مسیر از تاکتیک های مختلف، مناسب با تحولات و رویدادها باید بهره گرفت. از فشار برای برگزاری انتخابات تحت نظارت بین المللی و متکی به قانون اساسی جمهوری اسلامی تا افشای شکست سیاست های ماجراجویانه نظامی و عوامفریبی ها و خرافات و....

برای کارزار نوین و مرحله جدید، بیش از آنکه به گذشته متکی باشیم و از آن بگوئیم، باید از آینده گفته و برای آن مردم را آماده کنیم و نه تنها آن ها را در صحنه نگهداریم، بلکه دیگرانی را هم که در این انتخابات در حاشیه ماندند به صحنه فرا بخوانیم، آنانی که یا بدلیل سیاست گریزی و انزواطلبی و یا نارضایتی و ناامیدی از این کارزار عظیم برکنار ماندند و حضور آنان می توانست قدرت پتک انتخابات را ده ها برابر بیش از این سازد.

راه توده 117 25.12.2006